

تبیین جامعه‌شناختی زمینه‌های مؤثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن مرکز جامع مراقبت از خانواده بهزیستی در شهر کرمان

(صفحات ۵۵ تا ۷۸)

DOR:20.1001.1.17358663.1402.18.55.3.3

نوع مقاله: پژوهشی

کمال جوانمرد^۱ * علیرضا صنعت خواه^۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

چکیده

امروزه طلاق به عنوان یکی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مطرح است. در این تحقیق تلاش شده تا از یک‌سو عوامل فرهنگی و اجتماعی که بر نوع طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بهزیستی مؤثرند، با تکنیک تحلیل عاملی بازنمایی شود؛ همچنین، رابطه متغیرهای تحقیق با نوع طلاق مورد مطالعه قرار گیرد. روش پژوهش از نوع پیمایشی با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه است و جامعه آماری این مطالعه را ۳۴۷ نفر از مراجعین زن مرکز جامع مراقبت از خانواده بهزیستی شهر کرمان که در سال ۱۴۰۰ به این مرکز مراجعه داشته‌اند، تشکیل داده که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS26 انجام شده است. در تحلیل عاملی شش عامل به عنوان عوامل اثرگذار بر نوع طلاق در زنان کشف شده، شامل: تفاوت‌های سنی زوجین به هنگام ازدواج، وضعیت مسکن، تفاوت‌های فرهنگی و تحصیلات، سابقه ازدواج و رضایت جنسی، رضایت‌مندی والدین قبل از ازدواج و سابقه مصرف مواد مخدر و الکل در همسر. نتایج استخراجی نشان می‌دهد که اولین عامل طلاق زوجین، اختلاف سنی و سابقه ازدواج قبلی آنان؛ عامل دوم، وضعیت مسکن زوجین با نوع مالکیت مسکن (ملکی، استیجاری، رهنی)؛ عامل سوم، تفاوت‌های فرهنگی و سطوح تحصیلات زوجین به هنگام ازدواج؛ عامل چهارم، سابقه ازدواج قبلی آنان و میزان رضایت‌مندی زوجه (زن) در روابط جنسی؛ عامل پنجم، رضایت‌مندی والدین هر دو طرف (زن و مرد) قبل از ازدواج آنان و سابقه مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در همسر، ششمین عامل مؤثر بر طلاق بوده است.

واژگان کلیدی: آگاهی زوجین، رضایت زناشویی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، نوع طلاق.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. javanmardkamal@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) asanatkahh@yahoo.com

۱- بیان مسأله

خانواده سالم زیربنای سلامت جامعه را تشکیل می‌دهد. خانواده در صورتی می‌تواند به کارکردهای اصلی خود از جمله اجتماعی شدن، فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگ پردازد که دارای محیطی آرام و سرشار از الفت و دوستی باشد. هدفی که خانواده پرتنش و مضطرب قادر به انجام چنین وظایف مهم و سنگینی نخواهد بود (پرویزی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر هیچ فرد، گروه و جامعه‌ای اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، از اثرات و پیامدهای طلاق مصون نیست. جامعه ایران همچون بسیاری جوامع در حال توسعه، در چند دهه اخیر در مسیر مدرن شدن گام گذاشته و اثرات این مدرنیته نوپا را بر کلیه ساختارها و نهادهای خود تجربه می‌کند. نهاد خانواده هم از این جریان مستثنا نبوده که در این رهگذر با آسیب‌ها و چالش‌های متعددی رو به رو بوده است؛ یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها پدیده طلاق است. آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش است (حاجی‌زاده میمندی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۶). این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده بوده، هرچند که وجود این معضل در بین اقشار مختلف جامعه، این پدیده را پیچیده‌تر و درهم‌تنیده‌تر کرده است.

رشد طلاق در ایران از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به ترتیب به ۷/۲، ۷/۵، ۷/۹ درصد رسیده است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶۴). در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۹ میزان طلاق نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۸، ۷/۵ درصد افزایش داشته است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹؛ به نقل از قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲). این روند در سال‌های بعد نیز با افزایش محسوسی رو به رو بوده است، به طوری که در سال ۱۳۸۷ به ازای هر ۸ ازدواج یک طلاق وجود داشته که در سال ۱۳۹۷ این عدد به ۳/۱ ازدواج یک طلاق کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). با توجه به پیامدهای جبران‌ناپذیر طلاق بر خانواده و بروز آثار منفی آن در جامعه، در تحقیق پیش رو تلاش می‌شود تا از یک سو عوامل اجتماعی- فرهنگی که بر طلاق در بین مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره بهزیستی مؤثرند، با تکنیک تحلیل عاملی کشف شود و از سوی دیگر تلاش می‌شود تا رابطه متغیرهای تحقیق با نوع طلاق (توافقی و...) مورد مطالعه قرار گیرد. در این مطالعه اهداف پیش رو بدین قرار است:

هدف اصلی: شناخت عوامل جامعه‌شناختی با تأکید بر عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش زوجه به طلاق، در بین مراجعین مرکز جامع مراقبت از خانواده بهزیستی

شهر کرمان به منظور پیشگیری و کاهش این آسیب اجتماعی می‌باشد.

اهداف ویژه

- بررسی رابطه بین مدت زمان زندگی مشترک و نوع طلاق
- بررسی رابطه بین نحوه ازدواج (اجباری- اختیاری) و نوع طلاق
- بررسی رابطه بین وضعیت رضایت والدین زوجین (زوج و زوجه) از ازدواج و نوع طلاق
- بررسی رابطه بین میزان رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی و نوع طلاق
- بررسی رابطه بین سابقه سوء مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر زوجین و نوع طلاق
- بررسی رابطه بین نتیجه مداخلات انجام شده از سوی مراکز مشاوره بهزیستی و نوع طلاق

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

در زمینه پدیده طلاق و عوامل مؤثر بر آن تحقیقات گوناگونی صورت پذیرفته است. عبدالرسولی، ادریس و آزاد ارمکی (۱۴۰۱) در تحقیقی در زمینه طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی دورکیم، در شهر کرج به این نتیجه رسیده‌اند که: در مجموع ۵۰/۵ درصد پاسخگویان را اقدام کنندگان به طلاق و ۴۹/۵ درصد را غیر اقدام کنندگان به طلاق تشکیل می‌دهند. دامنه سنی پاسخگویان از ۱۶ سال تا ۶۹ سال است که بیشترین فراوانی طلاق به گروه‌های سنی ۲۵ تا ۴۵ سال مربوط است. مدل نهایی تحلیل مسیر حاکی از ارتباط معنی‌دار متغیرها با اقدام به طلاق است؛ بدین معنی که متغیرهای آنومی اجتماعی و ارزیابی هزینه و فایده، به ترتیب ۳۸ درصد و ۵۱ درصد بر اقدام به طلاق تأثیر مثبت و افزاینده دارند و متغیرهای احساس تعلق اجتماعی و همسان همسری نیز به ترتیب ۲۰ درصد و ۱۸ درصد بر اقدام به طلاق تأثیر منفی و کاهنده دارند. خدابخشی، نجفی زاده و بیجاری (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر رشد پس از آسیب زنان مطلقه اذعان می‌دارند که رشد و شکوفایی پس از طلاق، مقوله مرکزی الگوی رشد پس از آسیب می‌باشد. دستیابی به رشد و شکوفایی به‌طور کلی می‌تواند محصول مواجهه

با رنج و پذیرش آن، معنویت و عشق به فرزندان باشد. منابع حمایتی، عوامل شخصیتی و درونی به همراه زمینه‌های تربیتی و خانوادگی نیز به عنوان عوامل زمینه‌ای به رشد و شکوفایی کمک می‌کنند و راهبردهای رشد‌آفرین استخراج شده نیز شامل یاری‌جویی، چاره‌اندیشی، مدیریت افکار و هیجانات، انجام فعالیت‌های تسکین‌دهنده و آرام‌بخش و خودمراقبتی بود. آن‌ها در نتیجه‌گیری آورده‌اند که با شناسایی عوامل مؤثر بر رشد پس از آسیب، می‌تواند راهگشای روان‌شناسان و مشاوران جهت کاهش آسیب‌های طلاق و ارتقای رشد پس از طلاق باشد. گروهی دیگر از پژوهشگران را عقیده بر این است که بین متغیرهای میزان مراوده با خویشاوندان، میزان رضایت جنسی و عاطفه از همسر، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری همسر و سطح انرژی عاطفی در خانواده با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد (مختاری، میرفردی و محمودی، ۱۳۹۳: ۲۱). ابراهیمی منش و شکرپیگی (۱۳۹۵: ۳۴۲) ۵ عواملی را در فرایند وقوع طلاق مؤثر دانسته‌اند، شامل: رسیدن به بلوغ فکری، روانی، اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی و نیز ابهام در منطق زندگی زناشویی، کیفیت نامطلوب سرمایه اجتماعی، ناکارآمدی الگوهای ارتباطی و نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض. یحیی زاده و حامد (۱۳۹۴) با فراتحلیل تحقیقات صورت گرفته در زمینه طلاق به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت فرزندان طلاق در مقایسه با فرزندان یتیم و عادی نامطلوب‌تر است. همچنین برخی از این پژوهش‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت برنامه‌های مداخله‌ای، بر وضعیت فرزندان طلاق است؛ اما آنچه در این مطالعات مورد غفلت واقع شده، بررسی آسیب‌های اجتماعی است که فرزندان طلاق را تهدید می‌کند. جوانمرد (۱۳۹۵) در بررسی جامعه‌شناختی علل مؤثر بر طلاق توافقی بین ۲۵۱ نفر از مردان ۲۵ تا ۴۰ ساله شهر کهنوج در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ متغیرهایی اجتماعی از جمله: انحرافات اجتماعی، معاشرت‌ها و روابط اجتماعی و سن زندگی مشترک و همچنین متغیرهای فرهنگی شامل: اعتقادات و دین‌داری و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌های را با پدیده طلاق توافقی در این جامعه آماری مرتبط می‌داند. جوانمرد (۱۳۹۵) همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر کرمان به رابطه معنادار بین طلاق و همسرآزاری و خشونت علیه زنان در خانواده اشاره می‌کند. عابدی نیا، بوالهروی و نقی زاده (۱۳۹۴: ۱۴۱) اظهار می‌دارند که تقاضای طلاق در زنان

بیشتر تحت تأثیر عوامل اقتصادی، خشونت، مشکلات جنسی و اعتیاد بوده است در حالی که مردان بیشتر به دلیل مشکلات فرهنگی، اجتماعی متقاضی طلاق بوده‌اند. سهیلا صادق فسایی و مریم ایثاری (۱۳۹۴: ۱۳۲). نیک بخش، حمیدی و حافظی بیرگانی (۱۴۰۱) در تحقیقات خود بر روی این گونه آسیب‌ها در دوران کوید ۱۹ به این نتیجه رسیدند که تأثیر عوامل اجتماعی (۰/۹۹۷)، عوامل جمعیت شناختی (۰/۰۰۳) بر متغیر آسیب دیدگان است. همچنین مقدار ضریب تعیین (۰/۰۰۶-)، بیان‌کننده عدم تبیین واریانس عوامل اقتصادی بر «متغیر بزه دیدگی» است. تفاوت مقادیر پیش‌بینی از واقعیت در هر سه متغیر اجتماعی، اقتصادی و بزه دیدگی مطابق دستورالعمل Q2-PREDICT مناسب ارزیابی گردید. در مطالعات خارجی هم والنزوالا و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و نرخ طلاق در سراسر ایالات متحده آمریکا را بررسی کردند. داده‌های پژوهش نشان از محبوبیت بالای شبکه‌های اجتماعی در میان شرکت‌کنندگان بود. بر اساس نتایج پژوهش، استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین شده و بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. وان دیک و واندروالک^۱ (۲۰۲۰) در فراتحلیل درگیری بین والدین، فرزندپروری و سازگاری کودک در خانواده‌های مطلقه، اظهار می‌دارند که در جهان معاصر هر ساله طلاق والدین به واقعیت بسیاری از خانواده‌ها تبدیل می‌شود. نتایج نشان داد که همبستگی بین تعارض بین والدین، والدین و سازگاری کودک عمدتاً در جهت مورد انتظار و از اندازه اثر کم معنادار بود. دوم، حمایت والدین، خصومت، ساختار، نفوذ و نفوذ نقش در واقع به عنوان مکانیزم‌های واسطه‌ای در پیوند مداوم بین تعارض بین والدین و مشکلات درونی و بیرونی فرزندان عمل می‌کند. فریمن^۲ (۲۰۱۱): ۴۶۷-۴۷۷) در بررسی فرزندان طلاق در ایالات متحده اظهار می‌دارد که بنا به پیش‌بینی سازمان مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها^۳ در سال‌های آینده حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق ختم خواهند شد. نتایج حاکی از آن است که سلامت روانی کودکان در آینده بسیار تحت تأثیر انتقام‌جویی‌های والدین در هنگام طلاق و مسایل بعد از جدایی آن‌ها بستگی دارد. البته این به آن معنا نیست که همه کودکان طلاق مشکل روانی خواهند

1- van Dijk and van der valk

2- Freeman

3- The Centers for Disease Control and Prevention

داشت. اسبارا^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود در تلاش است تا به بحث کنار آمدن با پدیده طلاق بین زوجین بپردازد. نتایج حاکی از آن است که تفاوت‌های فردی در اضطراب دل‌بستگی و اجتناب، تنوع در این فرآیند سازمان‌دهی مجدد هنجاری را شکل می‌دهد، عمدتاً به عنوان یک نتیجه از روش‌های مشخصی که این سبک‌ها گرایش‌های تنظیم‌کننده هیجان را سازمان می‌دهند. سند و تامسون^۲ (۲۰۱۷) در بررسی تأثیرات طولانی مدت طلاق والدین بر اختلالات عاطفی فرزندان، اظهار می‌دارد که بین طلاق والدین و بیماری افسردگی در فرزندان ارتباط معناداری وجود دارد. طلاق والدین با افزایش خطر ابتلا به افسردگی فرزندان بزرگ‌سال همراه است، بدون این که در تحقیقات اخیر اثری از ضعیف بودن اثر باشد. هالتورث-مانروی^۳ (۲۰۲۱) در تحقیق خود اظهار می‌دارند که بین خشونت در یکی از والدین طلاق و افسردگی و مشکلات روانی فرزندان رابطه معناداری را مشاهده می‌کنند. دلونگیس و زویچر^۴ (۲۰۱۷) به این نتیجه می‌رسند که استرس خانوادگی خطر طلاق را از طریق افسردگی و پریشانی در ازدواج افزایش می‌دهد و همچنین مشکلات روابط ناپایدار با فرزندان از عوامل طلاق در خانواده‌های ناتنی است.

۲-۲. ادبیات نظری

از نظر وایزمن^۵ طلاق فرآیندی است که با تجربه به بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی، از طریق جدایی، با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۳). از طرف دیگر، در نظریه همسان همسری به این نکته تأکید می‌شود که ازدواج موفق بین کسانی که از تمام لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، با یکدیگر همسان هستند، توصیه می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۶)؛ به همین علت باورمن^۶ معتقد است که انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. به گمان

1- Sbarra
2- Sands, & Thompson
3- Holtzworth-Munroe
4- Delongis & Zwicker
5- Wiseman
6- Baverman
7- Lac

و برگس^۱ نیز بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۵۳).

الیزابت بات^۲ معتقد است که هر چه زنان ارتباط بیشتری با شبکه‌های خویشاوندی، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر داشته باشند و هر چه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی بیشتر تفکیک‌تر شده و تابع سلسله‌مراتب خواهد بود؛ عکس قضیه نیز مصداق دارد، هر چه شبکه‌ها کمتر باشند، نقش مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند که آن را می‌توان در قالب فشارهای فرهنگی تبیین کرد (سگالن، ۱۳۸۰: ۲۳۱). از طرف دیگر، بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در طلاق عاطفی را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد که بدین قرار است:

۱- وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی با مشکل مواجه شود، طلاق افزایش می‌یابد؛ به عنوان مثال اگر خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا این که در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش دار شود، نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد.

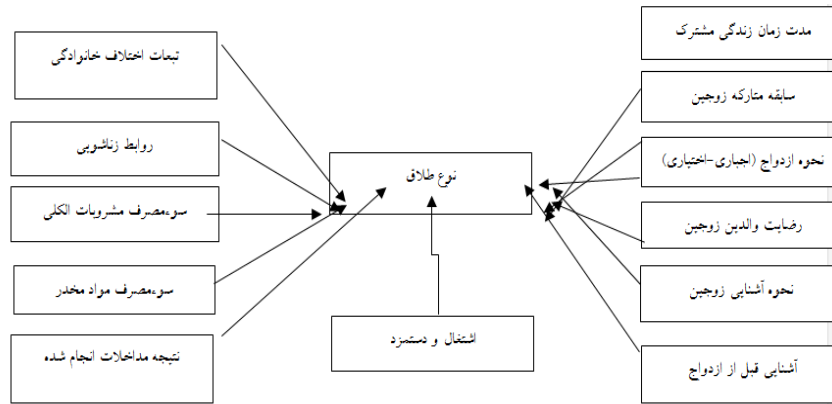
۲- زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد.

۳- وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود؛ این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند.

۴- هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند (اپستین و بیشاپ، ۱۳۸۶: ۲۷). نظریه پردازان روان تحلیل‌گری^۳ ویژگی‌های شخصیتی شریک ازدواج را عامل ناپایداری و بروز مشکلات زناشویی و خانوادگی می‌دانند (عنایت، ۱۳۹۲: ۳). نمودار ۱ عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر طلاق در زوجه را نشان می‌دهد.

1- Berges
2- Ellisabet Batt
3- Psychodynamic

تعیین جامعه شناختی زمینه های موثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن ...



نمودار ۱- عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر طلاق در زوجة

فرضیه های این پژوهش به صورت فرضیات دو متغیره ارائه شده اند، به طوری که در این فرضیات رابطه بین متغیرهای: مدت زمان زندگی، سابقه متارکه زوجین، نحوه ازدواج (اجباری - اختیاری)، وضعیت رضایت والدین زوجین، نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر، تبعات اختلاف خانوادگی، رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی، سابقه سوء مصرف مشروبات الکلی زوجین و نتیجه مداخلات انجام شده از سوی مراکز مشاوره بهزیستی با نوع طلاق در زوجین در قالب فرضیات اصلی و ویژه مورد بررسی قرار گرفتند.

۳. روش پژوهش

این تحقیق بر اساس روش تحلیل ثانویه از اطلاعات موجود در مرکز مشاوره بهزیستی شهر کرمان صورت پذیرفته تا بدین وسیله، به بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش زوجین به نوع طلاق در شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ پردازد. قلمرو مطالعاتی این پژوهش شهر کرمان و جامعه آماری آن از میان متقاضیان طلاق تعداد ۳۴۷ نفر از مراجعین زن مراکز مشاوره بهزیستی است. همچنین، کارشناسان این مرکز اطلاعات مهمی را در خصوص طلاق و عوامل مؤثر بر آن را در قالب یک پرسشنامه بسته جمع آوری نموده بودند که در پژوهش پیش رو به صورت تحلیل ثانویه، از آن استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss26 صورت گرفته است.

۴. تحلیل تجربی

داده‌های گردآوری شده حاکی از آن است که ۲/۹ درصد از مراجعین به صورت خودمعرف و ۹۷/۱ درصد از طرف قوه قضائیه به مراکز مشاوره مراجعه نموده‌اند. دیگر اطلاعات ارائه شده به صورت جدول زیر است:

جدول ۱- توصیف وضعیت کلی پاسخگویان

بیشترین	فراوانی	درصد	افراد	
قوه قضائیه	۱۰	۲/۹	خود معرف	نحوه ارجاع به
	۳۳۷	۹۷/۱	قوه قضائیه	مرکز
دائم	۳۳۴	۹۶/۳	دائم	نوع ازدواج
	۱۳	۳/۷	در مرحله عقد	
ندارد	۳۱۱	۸۹/۶	ندارد	سابقه ازدواج
	۳۶	۱۰/۴	دارد	قبلی

جدول توصیف وضعیت پاسخگویان در خصوص مدت زمان زندگی مشترک حاکی از آن است که بیشترین تعداد پاسخگویان (۵۰/۱ درصد) اظهار داشته‌اند که بیش از ۱۰ سال از زندگی مشترکشان گذشته است. گروه بعدی که باز بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند، کسانی هستند که بین ۵-۱۰ سال از زندگی مشترکشان تا طلاق را سپری کرده‌اند؛ این گروه ۲۱ درصد از پاسخگویان را شامل شده است؛ اما نکته‌ای که بسیار در خور تأمل است این است که ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان نیز اظهار داشته‌اند که کمتر از ۳ سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد؛ یعنی با این که سه سال اول از جمله بهترین دوران زندگی مشترک افراد محسوب می‌شود، اما متأسفانه در این دوران درخواست طلاق داشته‌اند. توصیف وضعیت پاسخگویان بر اساس علت طلاق از دید مراجع می‌تواند ما را به سمت‌وسوی مهم‌ترین عامل و مسئله اجتماعی که به دنبال آن طلاق را به دنبال دارد راهنمایی کند. با این که به نوعی پاسخگویان تلاش نموده‌اند تا علت اصلی طلاق را مخفی کنند (چرا که ۲۳/۳ درصد علت طلاق را عدم تفاهم اخلاقی بیان کرده‌اند) اما جدول زیر مهم‌ترین مواردی را مشخص می‌کند که کارشناسان بهزیستی با توجه به مصاحبه‌هایی که با افراد مراجعه‌کننده داشته‌اند، به عنوان مهم‌ترین معضل منجر به طلاق، معرفی نموده‌اند. مهم‌ترین این عوامل اعتیاد است. ۲۰/۵ درصد از

تبیین جامعه شناختی زمینه های موثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن

پاسخگویان علت اصلی طلاق را اعتیاد معرفی نموده‌اند (به علت حجیم بودن جدول از مواردی که اهمیت کمتری داشته‌اند، چشم‌پوشی شده است).

جدول ۲- علت طلاق از دید مراجع

درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	فراوانی
۲۰.۵	۲۰.۵	۲۰.۵	۲۰.۵	۷۱	اعتیاد
۲۴.۵	۴۰	۴۰	۴۰	۱۴	خیانت
۲۸.۸	۴۳	۴۳	۴۳	۱۵	بیکاری
۳۸.۶	۹۸	۹۸	۹۸	۳۴	عدم مسئولیت‌پذیری
۶۴.۶	۳.۵	۳.۵	۳.۵	۱۲	ضرب و شتم
۶۶.۳	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۶	سوءظن و بدبینی
۶۶.۹	.۶	.۶	.۶	۲	طلاق عاطفی
۶۷.۷	.۹	.۹	.۹	۳	اختلافات طبقاتی و فرهنگی
۶۸.۹	.۹	.۹	.۹	۳	ازدواج مجدد شوهر
۹۹.۷	۲۳.۳	۲۳.۳	۲۳.۳	۸۱	عدم تفاهم اخلاقی

تبعات طلاق یکی دیگر از موضوعاتی است که در تحقیق پیش رو مورد تحلیل قرار گرفته است. بدین منظور نظر مراجع و کارشناسان مرکز بهزیستی مورد توجه است. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، مهم‌ترین تبعات اختلاف خانوادگی زوجین در مواردی از جمله: غیبت از منزل، پناه بردن به خانه پدری و محدود شدن روابط خانوادگی است که هر کدام از موارد فوق به ترتیب: ۴۰/۹، ۱۸/۷ و ۱۶/۷ درصد از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است (برگرفته از گزارش اسنادی و مکتوب مرکز بهزیستی در خصوص مراجعین به مراکز در سال ۱۳۹۸).

متأسفانه فرزندان خانواده‌های طلاق از تبعات اختلافات خانوادگی و خود پدیده طلاق بی‌نصیب نمی‌مانند. با توجه به پاسخ‌های ارائه شده مسائلی از جمله: گوشه‌گیری (۵/۸)، رفتار اضطرابی (۵/۵ درصد)، پرخاشگری (۱۲/۱) درصد از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این موارد بیشترین پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳- تبعات اختلاف خانوادگی برای فرزندان از دید مراجع

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی درست	درصد فرآوانی تجمعی
افت تحصیلی	6	1.7	1.7
گوشه گیری	20	5.8	7.5
رفتار اضطرابی	19	5.5	13.0
شبه‌اداری	2	.6	13.5
پر خاشگری	42	12.1	25.6
افسردگی	5	1.4	27.1
کاهش اعتماد به نفس	5	1.4	28.5
فرار از منزل	1	.3	28.8
بی‌قراری	2	.6	29.4
جذب دوستان ناباب	2	.6	30.0
اعتیاد	2	.6	30.5
فرزند نوزاد	5	1.4	32.0
فرزند ندارند	91	26.2	58.2
سایر	145	41.8	100.0
کل	347	100.0	

یکی دیگر از مسائلی که در تحقیق پیش رو تلاش شده تا اثر آن بر طلاق مورد بررسی قرار گیرد، روابط جنسی است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثریت زوجین (هم زنان و هم مردان) اظهار نموده‌اند که رضایتی از روابط جنسی زناشویی نداشته‌اند. با این حال درصد زنانی که اظهار نموده‌اند لذتی از روابط جنسی نمی‌برند (۷۴/۹ درصد) بیشتر از مردان (۶۱/۷) است.

همچنین، تأثیر مصرف مشروبات الکلی بر طلاق، از نتایج دیگر این تحقیق است. ۲۸ درصد از مراجعین اظهار داشته‌اند که همسرشان (زوجه) مصرف مشروبات الکلی دارد؛ این آمار برای زنانی که شرب مشروبات الکلی دارند در حدود ۳ درصد گزارش شده است. از طرف دیگر در حدود نیمی از کسانی که برای طلاق به مراکز مراجعه کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که شوهرانشان سوء مصرف مواد مخدر دارند. بیشترین مصرف مواد مخدر نیز مربوط به تریاک و شیره است (۳۲ درصد) و پس از آن هروئین (۸/۶ درصد) و

تیین جامعه شناختی زمینه های موثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن

آمفتامین ها (شیشه، کریستال، قرص اکستازی) در حدود ۶/۳ درصد از پاسخها را به خود اختصاص داده است؛ با توجه به این که در حدود ۳۰ درصد هم به مصرف مشروبات الکلی در شوهران آنها اشاره داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل ۸۰ درصد از زوجین مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر بوده است.

جدول ۴- توصیف پاسخگویان بر اساس سابقه سوءمصرف مواد در زوج

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی درست	درصد فرآوانی تجمعی	
179	51.6	51.6	51.6	خیر
111	32.0	32.0	83.6	تریاک و شیره
30	8.6	8.6	92.2	هروین
3	.9	.9	93.1	کراک
22	6.3	6.3	99.4	آمفتامین ها (شیشه، کریستال، قرص اکستازی)
2	.6	.6	100.0	حشیش و گراس (و انواع مشابه)
347	100.0	100.0		کل

توصیف وضعیت پاسخگویان بر اساس نتیجه مداخلات انجام شده مؤید آن است که سازمان بهزیستی توانسته است در حدود ۲۲ درصد از زوجین را به سازش دعوت کرده و از طلاق منصرف کند؛ اما با این وجود ۷۲/۶ درصد از مراجعین سازش را نپذیرفته و برای طلاق به قوه قضائیه مراجعه نموده‌اند.

توصیف وضعیت پاسخگویان بر اساس نوع طلاق نیز نشان می‌دهد که ۴۴/۴ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند که زوجه برای طلاق مراجعه نموده و پس از آن ۲۹/۷ درصد طلاق توافقی را برای جدایی از همسرشان انتخاب نموده‌اند و ۱۶/۱ درصد عدم تمکین را اظهار نموده‌اند. نتایج آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نیز به قرار جدول زیر است:

جدول ۵- ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

تفسیر	سطح معناداری	نام آزمون	متغیرهای فرضیه
رد	۰/۴۷۱	کای اسکویر	مدت زمان زندگی مشترک و نوع طلاق
رد	۰/۹۷۷	کای اسکویر	سابقه متارکه زوج (مرد) و نوع طلاق
رد	۰/۸۳۷	کای اسکویر	سابقه متارکه زوجه (زن) و نوع طلاق
قبول	۰/۰۰۲	کای اسکویر	نحوه ازدواج (اجباری-اختیاری) و نوع طلاق
رد	۰/۱۳۶	کای اسکویر	رضایت والدین زوجین (زوج و زوجه) از ازدواج و نوع طلاق
رد	۰/۲۹۹	کای اسکویر	نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر و نوع طلاق
رد	۰/۸۵۹	کای اسکویر	آشنایی قبل از ازدواج و نوع طلاق
قبول	۰/۰۰۰	کای اسکویر	تبعات اختلاف خانوادگی برای زوجین از دید مراجع و نوع طلاق
قبول	۰/۰۰۰	کای اسکویر	رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی و نوع طلاق
قبول	۰/۰۱۲	کای اسکویر	سابقه سوء مصرف مواد مخدر و طلاق
قبول	۰/۰۰۰	کای اسکویر	نتیجه مداخلات انجام شده از سوی مراکز مشاوره بهزیستی و نوع طلاق

از دید مراجعه اکثریت کسانی که با تقاضای طلاق توافقی به دادگاهها مراجعه می کنند غیبت از منزل را به عنوان اولین پیامد قبل از طلاق دارا هستند. پس از آن محدود شدن روابط خانوادگی و پناه بردن به خانه پدری را می توان مطرح کرد.

- تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر طلاق

تحلیل عاملی از جمله روش های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست. زیرا این روش جزو تکنیک های هم وابسته محسوب می گردد و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته لحاظ گردیده و سعی می شود تا تعداد زیادی متغیر در چند عامل خلاصه شوند. تحلیل عاملی نوع Q و نوع R از مهم ترین جنبه های این تکنیک آماری می باشد. تحلیل عاملی (برخلاف رگرسیون چندگانه، تحلیل تشخیصی

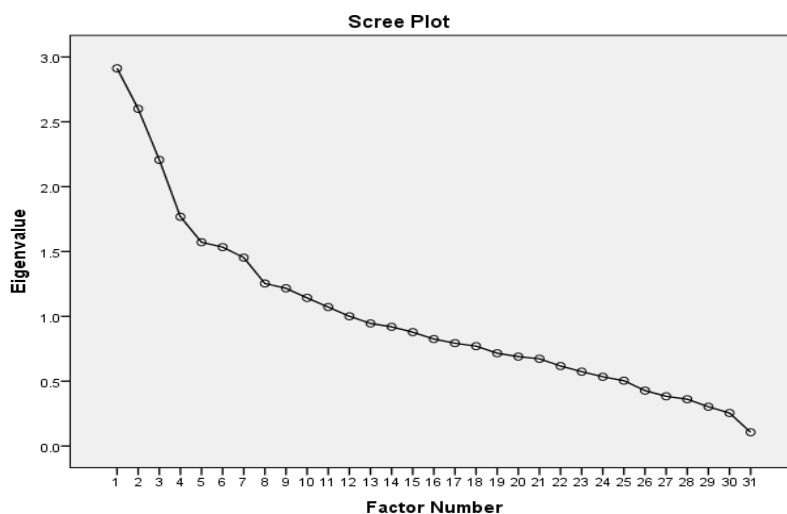
یا همبستگی کانونی که در آن یک یا چند متغیر وابسته و تعداد زیادی متغیر مستقل وجود دارد) روشی هم وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار می‌گیرند. در این تکنیک، هر یک از متغیرها به عنوان یک متغیر وابسته لحاظ می‌گردد. البته آماره‌های دیگری نیز وجود دارند که محقق از طریق آن‌ها قادر به تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌باشد، از جمله این روش‌ها، آزمون KMO می‌باشد. نتایج آزمون بارتلتس و ضریب kmo را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است ضریب حاصله ۰/۵۵۰ گزارش شده است که نشان می‌دهد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ گزارش شده است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که حاکی از مناسب بودن آزمون است.

جدول ۶ ضرایب اشتراک مقدار واریانس را نشان می‌دهد. این ضرایب تقریباً بزرگ و قوی هستند که این امر نشان می‌دهد مؤلفه‌های استخراج شده متغیرها را به‌خوبی نمایش می‌دهند. اگر هر ضریب اشتراکی در استخراج مؤلفه‌های اصلی خیلی کوچک باشد، ممکن است لازم باشد که مؤلفه‌های دیگر را استخراج نماییم.

جدول ۶- ضرایب اشتراک مقدار واریانس متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	ضرایب اشتراک اولیه
مدت زمان زندگی مشترک	.414
نوع ازدواج	.226
علت طلاق از دید مراجع	.248
سن زوج	.779
سن زوجه	.777
تحصیلات زوج	.413
تحصیلات زوجه	.434
وضعیت مسکن زوجین	.519
نوع مالکیت مسکن	.545
وضعیت اشتغال زوج	.161
وضعیت اشتغال زوجه	.110
سابقه طلاق در خانواده زوج	.083
سابقه طلاق در خانواده زوجه	.138
سابقه متارکه زوجین	.149

.552	سن زوج به هنگام ازدواج
.516	سن زوجه به هنگام ازدواج
.203	نحوه ازدواج زوج
.181	نحوه ازدواج زوجه
.330	وضعیت رضایت والدین زوج از ازدواج
.357	وضعیت رضایت والدین زوجه از ازدواج
.168	نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر
.166	آشنایی قبل از ازدواج
.269	سابقه و فرآیند بروز مشکلات از دید مراجع
.393	سابقه ازدواج قبلی زوج
.374	سابقه ازدواج قبلی زوجه
.235	میزان رضایت مندی زوج از روابط زناشویی
.137	میزان رضایت مندی زوجه از روابط زناشویی
.133	سابقه سوء مصرف مشروبات الکلی در زوج
.233	سابقه سوء مصرف مشروبات الکلی در زوجه
.222	سابقه سوء مصرف مواد در زوج
.205	سابقه سوء مصرف مواد در زوجه



تبیین جامعه شناختی زمینه های موثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن ...

جدول ۷- عوامل اکتشافی تحقیق

عامل اکتشافی	مؤلفه های عامل	ضرایب عاملی
تفاوت های سنی زوجین به هنگام ازدواج	سن زوج	۰/۷۶۰
	سن زوجه	۰/۸۲۱
	سابقه بروز مشکلات	۰/۲۰۵
	سن زوج به هنگام ازدواج	۰/۳۱۱
	سن زوجه به هنگام ازدواج	۰/۲۵۵
وضعیت مسکن	نوع مالکیت مسکن	۰/۹۱۴
	وضعیت مسکن زوجین	۰/۷۲۶
تفاوت های فرهنگی و تحصیلات	تحصیلات زوج	۰/۵۶۷
	تحصیلات زوجه	۰/۸۱۶
سابقه ازدواج و رضایت جنسی	سابقه ازدواج قبلی زوج	۰/۵۶۳
	سابقه ازدواج قبلی زوجه	۰/۸۱۶
	مدت زمان زندگی مشترک	-۰/۳۰۶
	میزان رضایت مندی زوجه از روابط زناشویی	-۰/۶۷۷
	رضایت مندی والدین قبل از ازدواج	رضایت مندی والدین زوج از ازدواج
رضایت مندی والدین زوجه از ازدواج		۰/۷۳۰
سابقه مصرف مواد مخدر و الکل در همسر	مصرف مواد مخدر	۰/۴۰۹
	مصرف الکل	۰/۱۳۴

۵. نتیجه گیری

همان طور که اشاره شد، علی رغم نقش و اهمیت خانواده در طول تاریخ، طلاق رویه و جنبه دیگر از این واقعیت است که هیچ فرد، گروه و جامعه ای اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، از اثرات و پیامدهای آن مصون نیست. رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده، به طوری که امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می گیرند. آمارها نشان می دهند

که طلاق در چند سال گذشته در ایران افزایش چشمگیری داشته است. در ادبیات تحقیق تلاش شده تا مهم ترین عواملی را که منجر به طلاق می شود، مورد بررسی قرار گیرد. در جمع بندی تحقیقات مورد بررسی می توان گفت که پژوهشگران به این نکته اشاره دارند که متغیرهایی، از جمله این که میزان مراوده با خویشاوندان، میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری همسر و سطح انرژی عاطفی در خانواده (مختاری، میرفردی و محمودی، ۱۳۹۳)، رسیدن به بلوغ فکری، روانی، اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی و نیز ابهام در منطق زندگی زناشویی، کیفیت نامطلوب سرمایه اجتماعی، ناکارآمدی الگوهای ارتباطی، نظام ناکارآمد مدیریت حل تعارض (عبدالرسولی، ادریسی و آزاد ارمکی، ۱۴۰۱؛ عابدی نیا، بوالهروی و نقی زاده، ۱۳۹۴)، نابسامانی اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، سطح تحصیلات با شیوه همسرگزینی، تعداد فرزندان (یحیی زاده و حامد، ۱۳۹۴)، علاقه به خانواده، عامل رضایت جنسی، دغدغه تکرار ازدواج، ازدواج تحمیلی، مدت ازدواج، فقدان آگاهی های مناسب از ازدواج و نیز عدم مهارت کافی در تنظیم روابط زناشویی، به ایجاد مشکلات جدی و شرایط نامساعد زندگی منجر می گردد. تقاضای طلاق در زنان بیشتر از مردان است و تحت تأثیر عوامل اقتصادی، خشونت و همسر آزاری (جوانمرد، ۱۳۹۵) و همچنین مشکلات جنسی و اعتیاد بوده، در حالی که مردان بیشتر به دلیل مشکلات فرهنگی، اجتماعی متقاضی طلاق بوده اند (جوانمرد، ۱۳۹۵؛ عابدی نیا، بوالهروی و نقی زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

نتایج تحقیق پیش رو حاکی از آن است که بیشترین مراجعه کنندگان طلاق در شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ را زنان تشکیل می دهند (۶۲/۲ درصد)؛ در این میان، ۹۷ درصد از مراجعین به این مراکز از طرف قوه قضائیه (دادگاهها) بوده است. در خصوص طول دوره زندگی مشترک، بیشترین تعداد پاسخگویان (۵۰/۱ درصد) اظهار داشته اند که بیش از ۱۰ سال از زندگی مشترکشان گذشته است؛ اما در این بین، نکته بسیار در خور تأمل این است که ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان نیز اظهار داشته اند که کمتر از ۳ سال از زندگی مشترکشان می گذرد؛ یعنی با این که سه سال اول از جمله بهترین دوران زندگی مشترک افراد محسوب می شود، اما متأسفانه در این دوران درخواست طلاق می دهند. در خصوص عوامل مؤثر بر طلاق ۲۳/۳ درصد علت طلاق را عدم تفاهم اخلاقی بیان کرده اند. از

طرف دیگر نتایج حاصله حاکی از آن است که مهم‌ترین معضل منجر به طلاق اعتیاد به مواد مخدر و الکلیسم است. در حدود ۲۸ درصد از مراجعین اظهار داشته‌اند که همسرشان (مرد) شرب مشروبات دارد. این آمار برای زنانی که شرب مشروبات الکلی دارند در حدود ۳ درصد گزارش شده است. متأسفانه در حدود نیمی از کسانی که برای طلاق به مراکز مراجعه کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که شوهرانشان سوء مصرف مواد مخدر دارند. متأسفانه بیشترین مصرف مواد مخدر نیز مربوط به تریاک و شیره است (۳۲ درصد) و پس از آن هروئین (۸/۶ درصد) و آمفتامین‌ها (شیشه، کریستال، قرص اکستازی) در حدود ۶/۳ درصد از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. با توجه به این که در حدود ۳۰ درصد هم به مصرف مشروبات الکلی در شوهرانشان اشاره داشته‌اند، در مجموع بر اساس نتایج حاصله می‌توان گفت که مشکل ۸۰ درصد از زوجین مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر است.

یکی دیگر از موضوعاتی که در تحقیق حاضر، مورد توجه قرار گرفته، علت طلاق از نظر کارشناسان و روان‌شناسان مراکز مشاوره بهزیستی است. از نظر این کارشناسان پس از معضل اعتیاد، خیانت مهم‌ترین عامل مؤثر بر طلاق در شهر کرمان گزارش شده است؛ به گونه‌ای که ۱۳/۳ درصد از پاسخگویان خیانت را به عنوان مهم‌ترین عامل طلاق خود معرفی کرده‌اند. این موضوع ضعف هنجارهای فرهنگی و اعتقادی را در جامعه مورد بررسی نشان می‌دهد.

همچنین، تبعات طلاق یکی دیگر از موضوعاتی است که در تحقیق پیش رو مورد تحلیل قرار گرفته است. مهم‌ترین تبعات از دید کارشناسان مرکز: غیبت از منزل، پناه بردن به خانه پدری و محدود شدن روابط خانوادگی است که هر کدام از موارد فوق به ترتیب: ۴۰/۹، ۱۸/۷ و ۱۶/۷ درصد از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. متأسفانه فرزندان خانواده‌های طلاق از تبعات اختلافات خانوادگی و خود پدیده طلاق بی‌نصیب نمی‌مانند؛ مسائلی مانند: گوشه‌گیری (۵/۸)، رفتار اضطرابی (۵/۵ درصد)، پرخاشگری (۱۲/۱) از مهم‌ترین تبعات طلاق برای فرزندان محسوب می‌شود.

سابقه ازدواج قبلی زوجین یکی دیگر از مسائلی است که مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حیرت‌آور این است که ۱۰ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که پیش از این نیز سابقه متارکه داشته و قبلاً نیز یک یا چند بار طلاق را تجربه نموده‌اند. این درصد

برای زنان و مردان تقریباً شبیه به هم گزارش شده است. ۱۰/۴ درصد از مردان و ۱۰/۱ درصد از زنان پدیده طلاق را تجربه اول خود معرفی نکرده‌اند. این افراد ضعف در روابط زناشویی و سکس را مهم‌ترین عامل طلاق خود معرفی کرده‌اند. عدم ارضای صحیح در روابط زناشویی زمینه‌ساز خیانت در بسیاری از زوجین شده که خود بر طلاق آن‌ها تأثیرگذار بوده است. با این حال درصد زنانی که اظهار نموده‌اند لذتی از روابط جنسی نمی‌برند (۷۴/۹ درصد) بیشتر از مردان (۶۱/۷) است.

اما در خصوص آزمون فرضیات تحقیق، نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهایی مانند: مدت زمان زندگی مشترک، سابقه متارکه زوج (مرد)، زوجه (زن)، وضعیت رضایت والدین زوجین (زوج و زوجه) از ازدواج، بین نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر، آشنایی قبل از ازدواج، بین میزان رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی، بین سابقه سوء مصرف مشروبات الکلی زوجین و نوع طلاق رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین متغیرهایی همچون: نحوه ازدواج (اجباری-اختیاری)، نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر، تبعات اختلاف خانوادگی برای زوجین از دید مراجع، میزان رضایتمندی زوجین از روابط زناشویی، سابقه سوء مصرف مواد مخدر زوجین، مداخلات انجام شده از سوی مراکز مشاوره بهزیستی و نوع طلاق رابطه معناداری وجود دارد؛

سرانجام، تحلیل عاملی صورت گرفته در تحقیق، عوامل مؤثر بر طلاق را دسته‌بندی می‌نماید. طبق نتایج حاصله اختلاف سنی و سابقه ازدواج قبلی (شامل: سن زوجین، سن زوجین به هنگام ازدواج و سابقه ازدواج قبلی زوجین) به عنوان اولین عامل طلاق شناسایی می‌شوند. عامل دوم استخراجی وضعیت مسکن است که با نوع مالکیت مسکن (ملکی، استیجاری، رهنی) و وضعیت مسکن زوجین مشخص می‌شود. عامل سوم طلاق، تفاوت‌های فرهنگی و سطوح تحصیلات زوجین به هنگام ازدواج است که هرچقدر این تفاوت بیشتر باشد به همان اندازه بر وقوع طلاق و نوع آن (توافقی و غیر توافقی) مؤثر است. سابقه ازدواج قبلی در زوجین و میزان رضایت‌مندی زوجه (زن) در روابط جنسی به عنوان عامل چهارم مشخص شده است. همچنین، رضایت‌مندی والدین هر دو طرف (زن و مرد) قبل از ازدواج، به عنوان عامل پنجم و سابقه مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در همسر، ششمین عامل مؤثر بر طلاق بوده است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی، تهران: تیسرا.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایران، تهران: سمت.
- ابراهیمی منش، مریم؛ شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۵). شناسایی روند وقوع پدیده طلاق، ارائه یک نظریه زمینه‌ای، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- برناردز، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- بهنام، جمشید (۱۳۹۴). تحولات خانواده، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: ماهی.
- بهنیا، لیلا؛ قربان شیرودی، شهره؛ خلعتبری، جواد (۱۳۹۸). «رابطه دل‌بستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی زنان در شرف طلاق با میانجی‌گری روان‌بندهای سازش‌نا یافته اولیه»، مجله علوم روان‌شناختی، دوره ۱۸، شماره ۷۵: ۲۷۵-۲۸۶.
- پرویزی، سرور؛ امینی زاده، خدیجه؛ ثناگو، اکرم؛ سپهوند، فریا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خانواده سالم از دیدگاه نوجوانان زنجان، مجله پژوهش پرستاری ایران، شماره ۱۳: ۷-۱۷.
- جوانمرد، کمال (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی علل مؤثر بر طلاق توافقی بین مردان ۲۵ تا ۴۰ ساله شهر کهنوج در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کهنوج.
- جوانمرد، کمال (۱۳۹۵). بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسرآزاری) در شهر کرمان، فصل‌نامه تغییرات اجتماعی- فرهنگی، دوره ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۹: ۳۵-۵۳.
- نجفی زاده، عاطفه؛ خدابخشی پیرکلانی، روشنگر؛ فرح بیجاری، اعظم (۱۴۰۱). شناسایی عوامل مؤثر بر رشد پس از آسیب زنان مطلقه، نشریه علوم روان‌شناختی، شماره ۱۱۲: ۶۹۷-۷۰۸.
- رضازاده، سید محمدرضا؛ بهرامی احسان، هادی؛ فاضل، محدثه؛ فلاح، مریم

- (۱۳۹۷). «بررسی عوامل زمینه‌ای و علل مؤثر بر طلاق: یک تحلیل اکتشافی»، مجله علوم روان‌شناختی، دوره ۱۷، شماره ۷۱: ۷۶۵-۷۷۴.
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمدصادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیوردی نیا، اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه)، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳: ۱۰۹-۱۴۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زارعان، منصوره؛ سادات سدید پور، سمانه (۱۳۹۵). «فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲: ۱۹۲-۲۱۸.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت‌الله؛ بهاری، سیف‌الله (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی خانواده، تهران: ندای آریانا.
- شهولی، کیومرث؛ رضایی فرد، سلطان مراد (۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان اید، جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، شماره ۱: ۱۱۱-۱۳۸.
- عابدی نیا، نسرین؛ بوالهری، جعفر؛ نقی زاده، محمد مهدی (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه‌ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت، مجله روان‌شناسی، شماره ۱: ۱۳۸-۱۴۱.
- عبدالرسولی، رضا؛ ادیسی، افسانه؛ آزاد ارمکی، تقی (۱۴۰۱). تبیین طلاق با رویکرد آنومی اجتماعی دورکیم در شهر کرج، فصل‌نامه روانشناسی فرهنگی، شماره ۱: ۲۹۹-۳۳۲.
- علوی، طاهره؛ مقدم زاده، علی؛ مظاهری، محمدعلی، حجازی موغاری، الهه و همکاران (۱۳۹۷). «بازنمایی مؤلفه‌های احتمال آسیب طلاق: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی»، پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، دوره ۸، شماره ۲: ۶۱-۸۳.

تبیین جامعه‌شناختی زمینه‌های موثر بر نوع «طلاق» در بین مراجعین زن ...

- فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق، مجله جامعه‌شناس، شماره ۱: ۱۲۵-۱۳۱.
- قریشی، فردین؛ شیرمحمدی، داوود و برجوند (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱: ۱۹-۳۳.
- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود، فصلنامه علمی ترویجی دانش انتظامی، شماره ۳۵: ۱۸۰-۱۹۸.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشن‌فکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳: ۱۱۱-۱۱۳.
- لیبی، محمد (۱۳۹۳). خانواده در قرن ۲۱ تهران: نشر علم.
- نیک بخش، بهرام؛ حمیدی، علی؛ حافظی بیرگانی، مهران (۱۴۰۱). تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر مفهوم حقوقی بزه دیدگی دانش‌آموزان در نهاد فرهنگی آموزش و پرورش در ایام شیوع ویروس کووید ۱۹، فصل‌نامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۷، شماره ۵۲: ۹۹-۱۲۶.
- یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود، دو فصلنامه مطالعات زن و خانواده، سال سوم، شماره ۲: ۹۱-۱۲۰.
- Edgar, F. & borgatta, R. & Montgomer, J.V. (2000). Encyclopedia of Sociology, Macmillan Reference USA.
- Kersten, K.K. (1990). The process of marital disaffection: interventions at various stages. *Family Relations*, 39: 257-265.
- Morrison and Others (2005). A Prospective Study of Divorce and Its Relationship to Family Functioning, <https://eric.ed.gov/?id=ED231524>.
- Valenzuela, S. & Halpern, D. (2014). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States, *Computers in Human Behavior*, 36, p 94-101.
- Wauterickx, N., Gouwy, A. & Bracke, P. (2006). Parental Divorce and Depression: Long-Term Effects on Adult Children, *Journal of Divorce & Remarriage* 45(3-4):43-68, https://www.researchgate.net/publication/254368069_Parental_Divorce_

and Depression

- Van Dijk, R., Branje, S. and Others (2020). A meta-analysis on interparental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models, *Clinical Psychology Review* Volume 79, July.

- Freeman, M.D. & Bradley, W. (2011). Children of Divorce: The Differential Diagnosis of Contact Refusal, *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, Volume 20, Issue 3, July, Pages 467-477.

- Sbarra, D., Borelli, A. & Jessica, L. (2019). Attachment reorganization following divorce: normative processes and individual differences, *Current Opinion in Psychology*, Volume 25, February 2019, Pages 71-75.

- Sands, A., Thompson, E. and Others (2017). Long-term influences of parental divorce on offspring affective disorders: A systematic review and meta-analysis, *Journal of Affective Disorders* Volume 218, 15 August 2017, Pages 105-114.

- Holtzworth, M. (2011). Controversies in divorce mediation and intimate partner violence: A focus on the children, *Aggression and Violent Behavior*, Volume 16, Issue 4, July–August 2011, Pages 319-324.

- Delongis, A. & Zwicker, A. (2017). Marital satisfaction and divorce in couples in stepfamilies, *Current Opinion in Psychology* Volume 13, February 2017, Pages 158-161.

- Holtzworth-Munroe, A. (2011). Controversies in divorce mediation and intimate partner violence: A focus on the children, *Aggression and Violent Behavior* Volume 16, Issue 4, July–August 2011, Pages 319-324.

- Shapiro, A., Cooney, T.M. (2007). Divorce and Intergenerational Relations across the Life Course, *Advances in Life Course Research* Volume 12, Pages 191-219.

